

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

شبه‌هنگ راد

۲۲ جولای ۲۰۱۶

روایت و نگاه "نادر ثانی"، از "ایرج مصداقی"

در مصاحبه با یک ساواکی و جرم های اشرف دهقانی - نوشته نادر ثانی - آمده است که: "ایرج مصداقی را به هیچ عنوان ساوامانی، جاسوس، خبرکش و یا لابی جمهوری اسلامی نمی خوانم. شناختی که از چند سال پیش از او از طریق خواندن نوشته ها و شنیدن سخنانش دارم به من چنین اجازه ای را نمی دهد....".

"بر این باورم که گفتگو و نقد در میان صفوف اپوزیسیون باید در جریان باشد اما بر این باورم که هیچگاه نمی بایست اجازه داد که ناسزا و هوجی گری، اتهام و توهین به درون این گفتگوها و نقدها راه یابد چرا که در اینصورت این تنها دشمن مشترک توده ها - نظام سرمایه داری و کارگزاران آن - خواهند بود که از جایگاه خود به این میدان نگریسته، شاد و خرسند خواهند شد." - ویراستاری نشده- پورتال

پس از "مصاحبه" و "گفتگو"ی ایرج مصداقی با پرویز معتمد، مامور ساواک و "هوشمند" نظام شاهنشاهی، دنیای مجازی شاهد بحث و جدل موافقان و مخالفان آن بوده است. در این "مصاحبه"، داستان ها و ماهیت عنصر ساواک، از جانب مصداقی گونه گونه تعریف شده است. مطالعه این "گفتگو" و همچنین یکسانی نظری طرفین، پیرامون موارد مطروحه، در خلاف این نظر نیست که نمی توان از جانب "مصاحبه کننده و مصاحبه شونده"، به بخشی از تاریخ رو نه شده جنبش کمونیستی ایران دست یافت. به این دلیل که طرز فکر و رفتار آنان، با افکار و رفتار مدافعان منافع کارگران و زحمت کشان، کمونیست ها و مبارزان، متفاوت از هم اند، بنابراین، هرگونه همردیفی، همسوئی و یا دعوت جانبدارانه بشريت و وادادگان سیاسی، - و آنهم با هر دلیل و برهانی -، جز اغتشاش ماهیت مبارزه ایدئولوژیک سالم و همچنین تطهیر چهره کثیف آنان نیست.

کاملاً آشکار است که اساس و بنیه افکار و اعمال جانبداران بشريت و تسلیم طلبان، در تحریف حقایق، در حفظ و محفوظ نگه داشتن اسرار طبقه سرمایه داری، در باوری به سرکوب و منکوب نمودن مقاومت و فداکاری مبارزان و کمونیست ها و همچنین در پاک و منزله جلوه دادن اعمال شنیع شان، ریخته شده است. اسناد و داده ها در این حوزه فراوان اند و می توان هزاران سند را در کنار هم ردیف نمود و نشان داد، که هدف و نیت حاکمان، شکنجه گران و تسلیم طلبان، تضمین مناسبات سرمایه داری، تخطئه جنبش های اعتراضی و همچنین نابودی مقاومت در میادین متفاوت مبارزاتی - طبقاتی ست. با این تفاسیل و بنابه چنین ادله ای، نیازی به دعوت و یا مقابله قلمی با حافظان سرمایه برای دستیابی به تاریخ در پس پرده مانده جنبش کمونیستی نیست. جایز نیست تا از خطوط قرمز عبور نمود و به بهانه روشننگری،

هویت تیره و تاریک دشمنان طبقاتی کارگران و زحمت کشان را کمرنگ نمود. صف ها - بنابه موضعگیری ها و کارکردها - چیده شده است و نمی توان، و یا به عبارتی دقیق تر، صحیح نیست تا با همراهی و یا در همکاری با عنصر ساواک و ساواما، به حقیقت دست یافت. به هر حال تخطی و تداخل از چهارچوبه های فوق و یا انتخاب مبارزه ایدئولوژیک انقلابی و کمونیستی، با عناصر ناسالم و کُرنش گران، جز وارونگی ماهیت عناصر وابسته و ناسالم، و همچنین کج فهمی از اهداف و متدهای ثمربخش مبارزه کمونیستی نیست.

گفتنی ست که از میان همه نوشته هائی که، - پیرامون رد و یا تأیید "مصاحبه" ایرج مصداقی با پرویز معتمد -، توجه من را به خود جلب نموده است، نوشته نادر ثانی بود. به این دلیل که از یک طرف ادعای باوری به آرمان "چریکهای فدائی خلق" را دارد و از طرف دیگر، ایرادی به نفس "مصاحبه" و یا به میدان دادن پرویز معتمد - از جانب ایرج مصداقی - ندارد؛ سیاست ناصحیحی را انتخاب نموده است و بی دلیل هم نیست، که روایت و نگاهش، نه تنها با "چفا"، بلکه با اکثریت نقادان در تضاد قرار گرفته است. نادر ثانی تلاش بسیار زیادی دارد تا حساب خود را با حساب "اتهام و انگ" زنان مجزا سازد و سر آخر می کوشد تا یک بار دیگر، توجه ایرج مصداقی را به باورهایش و به رعایت نقد صحیح و سالم جلب نماید!!

براستی و قبل از هر چیز، سؤال این است که چرا نادر ثانی در صدد است تا مضمون واژه هائی همچون جاسوس و خبرکش و غیره را زیر و رو نماید؟ آیا نخوانده و یا نشنیده است که ایرج مصداقی در درون زندان های رژیم جمهوری اسلامی، پیرامون مقاومت ده ها کمونیست و مبارز و آنهم در برابر جلادان نظام، در همراهی و در همکاری با زندانبانان، ضعف بس عظیمی نشان داده است و ده ها سؤال بی پاسخ از خود بر جای گذاشته است؟ مگر برای نادر ثانی، ارتباط چندین ساله ایرج مصداقی با عنصر مستقیم گشت و گشتار ده ها کمونیست و مبارز در درون زندان های شاهنشاهی و همچنین در به خاک و خون کشیدن حمید اشرف و دیگر یارانش در هشتم تیرماه پنجاه و پنج، کافی - نبوده و - نیست، تا وی، به ماهیت عناصری همچون مصداقی، پی ببرد و اینگونه و با صراحت تمام، از پاکی و از مصنوعی پرونده سیاسی ایرج مصداقی ننویسد؟!

عجبا این روزها، عنصری که روز و روزگاری در درون زندان ها، میداندار نابودی مقاومت و همچنین پرچمدار به تسلیم واداشتن کمونیست ها و مبارزان بوده است، در زیر چتر حمایتی نادر ثانی قرار می گیرد و چهره سیاسی اش، وارونه به دنیای مجازی ارائه می گردد. بر این عقیده ام که اگر مصداقی با رندی تمام، عنصر ساواک را به "خوب و بد"، "اداری و غیر اداری" تقسیم می کند و آگاهانه بر توهّمات می افزاید؛ به موازات آن، نادر ثانی هم، افکار عمومی را، از آنچه، ایرج مصداقی در درون زندان ها انجام داده است، منحرف می سازد. این دو کار - و علی رغم آگاهی و باوری به دو جایگاه و ماهیت سیاسی متضاد از هم -، در یک ردیف است و تفاوتی از یک دیگر ندارند. نادر ثانی به کجراه رفته است و خلاف بعضاً نقادان "مصاحبه" با معتمد، از تشخیص جایگاه واقعی به اصطلاح مصاحبه کننده، باز مانده است و بی دلیل هم نبود که از آغاز، نگاه و تکلیف خود با دیگران و به ویژه از مواضع "سازمان"ش مجزا نموده است!!

این ها روایت نادر ثانی، نسبت به اعمال ایرج مصداقی ست و خلاف دیگر منتقدان "مصاحبه"، پیرو و مبلغ سیاست کمونیستی و همچنین وفادار عملی مبارزه ایدئولوژیک انتقادی - اقتاعی و اثباتی، با عناصر و با وادادگان سیاسی همچون مصداقی ست. موضوع کاملاً آشکار و روشن است. مصداقی، با حبس سه ساله "مصاحبه" با پرویز معتمد، و با ارتباط متعدد و چندین ساله اش با مأمور ساواک و شکنجه گر نظام شاهنشاهی، نشان داده است که در کدامین جایگاه و میدان فعالیتی قرار گرفته است. "مصاحبه" و یا "گفتگو"ئی که بدون چالش، و با توافق دو طرف تنظیم گردیده است،

و قصد و هدفش، افشای اسرار و اعمال ساواک در حق کمونیست ها و مبارزان در درون زندان ها و جامعه نبوده و نیست. بنابراین پیداست که، چنین "گفتمان" و یا "مصاحبه"ای، فاقد ارزش، اعتبار و اتکاء است؛ پیداست که انتظاری فراتر از آنچه خواننده و شنیده ایم، نبود؛ پیداست که، کار انقلاب و مدافعان آن، رو در روئی نظری - سیاسی، با شکنجه گران و همکاران نظام های شاهنشاهی و جمهوری اسلامی نیست؛ پیداست که هیچگونه مراد، نشست و برخاست و یا ایاب و ذهابی، مابین انقلابیون و منادیان سرمایه - و آنهم به بهانه روشن سازی حقایق - نیست؛ پیداست که رسالت افرادی همچون معتمد، در بازگویی حقایق در پس پرده مانده جنایات و سیاست نظام پهلوی نیست. بیهوده نبوده است که ایرج مصداقی در چنین بازی سیاسی و آنهم با تمام توان و علی رغم باوری کاذب به اعمال حمید اشرف، جانب معتمد را گرفته است؛ عکس العمل های زود هنگام و شتاب زده ایرج مصداقی با نقادان "مصاحبه" و به ویژه برخورد های هستیریک و مشتمل کننده با اشرف دهقانی، مبین این حقیقت است که نه تنها وی نیامده است، تا بخشی از تاریخ پنهان و تحریف شده کمونیستی را روشن و تصحیح نماید، بلکه میدانی یافته است، تا بر اعمال زشت خود سرپوش بگذارد و کالای بُنجل و نامرغوب خود را به دنیای مجازی بفروشد. مصداقی داد و فغان به راه انداخته و با وقاحت تمام، مقاومت اشرف دهقانی در زمان شاه را به سُخره گرفته است، تا وادادگی خود را، پاک و خالص، به خُرد بیرون دهد؛ با رندی تمام می گوید که اگر اشرف دهقانی دو سال در زندان بوده است، من ده سال بودم!! اما نمی داند که یک روز، زندگی سیاسی اشرف دهقانی در زندان شاهنشاهی، به میزان ده سال، زندگی حقارت بار ایرج مصداقی در درون زندان های جمهوری اسلامی بوده است. واقعیت این است که ایرج مصداقی به همراه شکنجه گران، در پی به تسلیم واداشتن و شناسائی کمونیست ها و مبارزان بود، در عوض، اشرف دهقانی، در درون زندان نظام شاهنشاهی، حافظ جان چریکها، مبارزان دهه پنجاه و آنهم در مقابل زندانبانان، شکنجه گران و جانیانی همچون پرویز معتمد بوده است. بنابراین فرق بسیار عظیمی مابین این دو زندانی، در درون زندان هاست. ایرج مصداقی در بندها، در رفت و آمد و با بازجوهای متفاوت جمهوری اسلامی، در داد و ستد بود، ولی اشرف دهقانی، در بند اسیر و هر لحظه در انتظار تحقیر، توهین و شلاق بازجویان و شکنجه گران سرمایه بوده است.

حقیقتاً که خطاب من، نه ایرج مصداقی، بل نادر ثانی ست که در چنین بلبشو بازاری و آنهم بدون علم به نفس و درستی موضوع و همچنین بدون اشراف کامل به مضمون مبارزه مابین دو طبقه انقلاب و ضد انقلاب، و به بهانه دفاع از مبارزه ایدئولوژیک سالم و ثمربخش، به میدان آمده است تا چهره حقیقی ایرج مصداقی را وارونه جلوه دهد. ناشیانه از جایگاه فرهنگ کمونیستی در میان اپوزیسیون حرف می زند در حالی که، ماهیت و سمت و سوی مبارزه ایدئولوژیک سالم و نقد کمونیستی را نشناخته، - و به موقع و بجا، پیرامون دفاع از فرهنگ کمونیستی به میدان نیامده - است.

خلاصه این که به صلاح جنبش انقلابی نیست تا از جنبه انتقادی - اقلیتی و اثباتی، با افرادی همچون معتمد و مصداقی، وارد بحث و دیالوگ - و آنهم با هر دلیل و برهانی - شد. توهم و انتظاری نیست تا حقایق را، از زبان و از قلم آنان شنید و خواند. این ها نیامده اند تا دالان های تاریک را روشن، و بخشی از تاریخ تحریف شده جنبش کمونیستی - انقلابی را بازگو نمایند. بیهوده نیست که پرخاشگری و تحریف حقایق، در افکار و در اعمال جانیان بشریت و وادادگان سیاسی نهادینه شده است. علاوه بر اینها صحیح نیست تا همچون نادر ثانی، بار دیگر توجه ایرج مصداقی را به باورهایش همچون "به هوش باشیم و اجازه ندهیم دستگاه اطلاعاتی و امنیتی نظام و پادوهایش در خارج از کشور، تحت عنوان تاریخ نگار و پژوهشگر و فعال سیاسی به چهره های خوشنام تاریخ میهن مان چنگ بکشند"، جلب نمود. چرا که ارتباط و نشست و برخاست چندین ساله، تبادل اطلاعات، همیاری و همکاری با جانیانی همچون پرویز معتمد، و به دنباله با بر جای گذاری ترانامه "درخشان" در درون زندان های جمهوری اسلامی، مانع هرگونه پیشداوری ها و جمع بندی های

بنادرست از جایگاه ایرج مصداقی ست. براسستی و سر آخر، سؤال این است که نادر ثانی، از چه کسی ، طلبِ هویت سیاسی اشرف دهقانی و همچنین وی را از "جرائم"، "ارتکاب"ی، "تبرئه" می کند؟! از ایرج مصداقی؟! بر این نظرم که به همان دلیل، به صلاح نیست تا هویت حمید اشرف را، با داده های جانبانی همچون معتمد رقم زد، به همان میزان هم نادرست است، تا با مصداقی وارد چنین معامله ای شد.

۱۹ جولای ۲۰۱۶

۲۹ تیر [سرطان] ۱۳۹۵